

بررسی و نقد نظرات «ضد مسیح اسلامی» و «اسلام، ردای ضد مسیح» در تطبیق ضد مسیح بر منجی اسلامی

^۱ روح الله شاکری زواردهی

^۲ زهیر دهقانی آرانی

چکیده

با شکل‌گیری موج جدیدی از اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در چند دهه اخیر در غرب؛ برخی نویسندگان و مبلغان مسیحی در زمینه شیطنانی خواندن دین اسلام و انطباق آن با محور شرارت بیان شده در کتاب مقدس تلاش کرده‌اند. این افراد با طرح نظریه‌های گوناگون، تا بدان جا پیش رفته‌اند که از تطبیق منجی اسلامی (امام مهدی علیه السلام) بر ضد مسیح یاد شده در کتاب مقدس (آنتی کرایست) سخن گفته‌اند. در این زمینه، نظریه «ضد مسیح اسلامی»، با استناد به منابع اسلامی و مسیحی، در اثبات یکی بودن ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی منجی اسلامی با ویژگی‌های ضد مسیح آمده در عبارات کتاب مقدس، تلاش می‌ورزد و در پی آن، دیدگاه «اسلام، ردای ضد مسیح» این موضوع را برجسته و امام مهدی علیه السلام، به روایت شیعیان را مصداق ضد مسیح معرفی کرده است. از آن‌جا که این نظریات به کمک تبلیغات رسانه‌ای قوی در بستر مذهبی غرب معروفیت بالایی پیدا کرده و زمینه مسمومیت فکری عمومی را فراهم کرده‌اند؛ بررسی و نقد این دیدگاه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. در این سو، ابتدا به توصیف مقدمات، استنادات و نتایج این دو دیدگاه پرداخته و سپس مبانی و شواهد آن‌ها بررسی و نقد شده است. نتیجه، این که بسیاری از برداشت‌های صاحبان نظریه از کتاب مقدس و نیز آموزه‌های اسلامی ناصحیح است. تطبیق نهایی صورت گرفته نیز اشکالات متعددی دارد که اصل آن را مخدوش می‌کند.

واژگان کلیدی: امام مهدی علیه السلام، ضد مسیح، نظریات ضد مسیح اسلامی، بررسی تطبیقی.

shaker.r@ut.ac.ir

۱. استادیار گروه شیعه‌شناسی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) zdarani@yahoo.com

مقدمه

اندیشه نجات و موعود باوری در همه ادیان تاریخی و زنده بزرگ دنیا مطرح بوده است.^۱ آیین‌های زردشتی، هندو، بودا، کنفوسیوس، دائو و ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام به‌عنوان پرمخاطب‌ترین ادیان کنونی جهان، همگی به نوعی این اندیشه را مطرح کرده‌اند (محمدی، ۱۳۹۰: ص ۲۷۹-۲۸۱). در این میان، نگاه ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) به این مقوله، به واسطه منشاء آسمانی واحد، تشابهات زیادی با یکدیگر دارند که از جمله آن‌ها ظهور منجی فردی در انتهای دوران با کارکردهای مشترکی همچون برقراری عدالت و رفع ظلم، پس از گذشت دورانی سخت و تیره و تاریک است. جالب توجه این که برخی از این ادیان، حتی در ویژگی‌های تیره پیش از ظهور منجی نیز تشابهات فراوانی دارند (محمدی، ۱۳۹۰: ص ۸۱-۹۲)؛ که از آن جمله، ظهور ضد منجی با ویژگی‌هایی همچون حيله‌گری، ظلم فراگیر و ادعای ربوبیت است (امامی جمعه، ۱۳۸۹: ص ۲۱).

گذشت زمان و دغدغه آرزومندان پيروان ادیان برای ظهور منجی، باعث وقوع مکرر دو جلوه قابل تأمل از باورمندی به منجی در جوامع دینی گشته است:

اول، ظهور مدعیانی که با استفاده از شرایط خاص روزگار خویش و بهره بردن از تشابهات شخصی و پیرامونی با زمانه پیشگویی شده در زمینه آمدن منجی؛ پیروانی جمع کرده و چه بسا فرقه‌ای جدید بنیان نهاده‌اند (توفیقی، ۱۳۸۹: ص ۱۳۵ و ۲۱۶)؛ که البته پس از گذشت چندی و عدم تحقق شعارهای وعده داده شده، این حرکت‌ها رو به زوال و کم فروغی نهاده است.

دومین جلوه، تطبیق‌گرایی و به تبع آن توقیت‌گرایی در میان پیروان ادیان بوده که معمولاً در پی تفسیر متون مقدس دینی و انطباق آن با شرایط پیرامونی صورت پذیرفته است.

دین مسیحیت نیز از این قاعده مستثنا نیست و در طول تاریخ، هم با مدعیانی مسیحایی مواجه بوده و هم نمونه‌های متعدد تطبیق و توقیت را به خود دیده است.

۱. شاید بتوان سیک، جینه یا شین‌تو را تنها ادیانی دانست که رگه‌های موعودباوری در آن‌ها کم‌رنگ است، یا دیده نمی‌شود (موحدیان عطار، ۱۳۸۹: ص ۱۵).

(مسیحی، ۱۹۹۴: ص ۱۸۶). از طرف دیگر مسیحیت که بستر شکل‌گیری آن، آرمان مسیحیایی بوده است؛ به پیشگویی^۱ علاقه ویژه‌ای نشان داده تا آن‌جا که به باور مسیحیان، مکاشفات یوحنا - آخرین کتاب از جمله کتاب‌های عهد جدید - سراسر الهاماتی رمزی و کنایه‌آلود است که در مورد آخرالزمان بر یوحنا مکاشفه شده و رخداد آن‌ها در انتهای تاریخ انتظار می‌رود (کلباسی اشتری، ۱۳۸۸: ص ۷۴ و ۸۳). این‌گونه توجه افراطی به پیشگویی‌ها در سده اخیر و به‌ویژه در میان مسیحیت پروتستانی، نمود عینی به خود گرفته تا آن‌جا که امروزه در این زمینه کتاب‌های متعددی تألیف شده است و برنامه‌های رسانه‌ای گوناگون و ارائه دیدگاه‌های متکثر در زمینه زمان و علائم ظهور مسیح، جایگاهی غیر قابل انکار در جوامع مسیحی، به‌ویژه مسیحیت پروتستان به خود اختصاص داده است (توفیقی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۶).

بیش از یک دهه پیش نظریاتی - عمدتاً با نگاه بنیادگرانه - در میان صاحب نظران مسیحی پروتستانی شکل گرفته است که وجه مشترک همه این دیدگاه تقابل نهایی نیروهای خیر به سرپرستی مسیح با نیروهای شر به رهبری ضد مسیح^۲ در آینده‌ای نزدیک است. ولی آنچه این دیدگاه را از دیدگاه‌های تطبیقی قبلی متمایز کرده، تطبیق نماد شر در این نظریات بر جهان اسلام و انطباق نماد ضد مسیح بر منجی اسلامی (مهدی علیه السلام) است. دیدگاه‌ها و نظریاتی که با عناوین گوناگونی همچون ضد مسیح اسلامی^۳، نشان ضد مسیح^۴، ردای ضد مسیح^۵، چهار تابلو راهنما در خاورمیانه برای شناخت ضد مسیح^۶ و چهار اسب (سوار) آخرالزمانی^۷ مطرح شده اند؛ از جمله این مواردند. این دیدگاه‌ها وجوه اشتراک بسیاری دارند و البته هریک به واسطه طرح موضوع و برداشتی جدید و یا تکمیل نظریات پیشین، از مستندات و دعاوی متمایزی نیز

1 - Prophecy

2 - Antichrist

3 - Islamic Antichrist

4 - Mark of the Beast

5 - The Cloak of Antichrist

6 - Discovering the Four Mideast Signs Leading to the Antichrist

7 - Four Horses Of The Aocalypse

برخوردارند. از آن جا که دو نگاه «ضدمسیح اسلامی» و «ردای ضدمسیح» شباهت‌های بسیاری دارند و در سوی واحدی حرکت می‌کنند؛ در این نوشتار به توصیف، نقد و تحلیل این دو نظریه پرداخته می‌شود.

نظریه ضدمسیح اسلامی

سابقه طرح نظریه «ضدمسیح اسلامی»^۱ به دو دهه پیش می‌رسد که این دیدگاه در میان برخی صاحب‌نظران و نویسندگان جوامع غرب مسیحی مطرح شد و طی چند سال گذشته، به واسطه تکمیل ابعاد و جوانب آن و نیز تبلیغ رسانه‌ای وسیع، به نظریه‌ای معروف در این جوامع بدل گردید. این نظریه - که توضیح آن در ادامه خواهد آمد- در پی اثبات تعارض کامل دیدگاه اسلام و مسیحیت در مورد آخرالزمان است؛ به گونه‌ای که منجی یک دین، ضدمنجمی آیین دیگر است و عملاً مسیحی‌های هریک از این ادیان، مقابل دیگری خواهد ایستاد و جنگ نهایی خیر و شر، حاصل این تقابل خواهد بود. اگرچه زمره‌های این‌گونه نظریات را می‌توان حتی به بیش از سه دهه پیش برگرداند^۲؛ به صورت علمی و با استناد به کتاب مقدس مسیحیان، اولین بار این نظریه پیش از سال ۲۰۰۰ طرح شد (گودمن، ۱۹۹۳: ص ۲۰-۳۰) و در سال ۲۰۰۸ در کتاب «ضدمسیح اسلامی» اثر جوئل ریچاردسون قابل ارائه شد. شیوه ویژه و تطبیقی کار ریچاردسون از طرفی و تبلیغات رسانه‌ای شدید در مورد این نظریه، نام وی را بر زبان‌ها انداخت و در زمان کوتاهی دیدگاه و کتاب او در میان بسیاری از مسیحیان گسترش یافت.^۳

۱. البته این نظریه ابتدا با چنین نامی مطرح نمی‌شد و فقط اشاراتی در مقالات و کتاب‌های برخی نویسندگان گذشته در این زمینه دیده می‌شد؛ ولی از آن جا که این اندیشه در کتاب «ضدمسیح اسلامی» اثر ریچاردسون به صورت کامل و منقح مطرح و شایع شد، چنین عنوانی را برای این دیدگاه برگزیدیم.
۲. به عنوان مثال: در انتهای فیلم معروف «نوسترآدموس؛ مردی که فردا را دید» (ساخته ۱۹۸۱ توسط آرسن ولز)؛ منجمی مسلمانان خدای وحشت و ترور خوانده می‌شود که در مقام سومین ضدمسیح (آنتی کرایست) علیه کشورهای غربی مسیحی جنگی جهانی را آغاز خواهد کرد.
۳. این مطلب را می‌توان از تیراژ بالای کتاب «ضدمسیح اسلامی» دریافت؛ تا آن جا که در سال ۲۰۱۱ جزء پرفروش‌ترین کتاب‌های از دید مجله نیویورک تایمز معرفی شد
(<http://www.nytimes.com/best-sellers-books/2011-03-06/e-book-nonfiction/list.html>) و بارها این اثر در شمار کتاب‌های پرفروش سایت‌های فروش کتاب،

- نظریه «ضدمسیح اسلامی» دارای چند مقدمه و یک نتیجه‌گیری تطبیقی نهایی است:
- مقدمه اول: در اسلام با سه شخصیت آخرالزمانی با ویژگی‌های متمایز مواجه هستیم:
- الف) دیدگاه مسلمانان در مورد مهدی (منجی اسلامی) که برگرفته از منابع اسلامی (قرآن و حدیث) است؛ دارای توصیفات زیر است (ریچاردسون، ۲۰۰۸: ص ۳۴-۵۶):
- مهدی رهبری دینی است که نهضتی دینی در جهان به وجود می‌آورد؛ نهضتی که باعث می‌شود مردم اعتقاد پیشین خود را کنار گذاشته و همه، «الله» (خدای اسلام) را پرستند.
 - محور حرکت مهدی خاورمیانه؛ و هدف و مرکز حکومت او، اورشلیم (بیت المقدس) است.
 - مهدی در احادیث اسلامی، فردی نظامی، ستم‌پیشه و خونریز تصویر شده است که در طول جنگ‌هایی وسیع، رهبری کل جهان را به دست می‌آورد و خلافت اسلامی را برقرار می‌سازد.
 - در طول جنگ‌های تحت رهبری مهدی، کافران - که همه غیر مسلمانان را شامل می‌شوند - به پذیرش اسلام مجبور می‌شوند و در صورت سرباز زدن از این امر، همگی کشته خواهند شد.
 - یکی از کارهای مهم مهدی، حمله به اسرائیل و قلع و قمع همه یهودیان است. پس از این حمله، مهدی اورشلیم را مرکز حکومت خود قرار می‌دهد.
 - طول زمان حکومت مهدی، ۷ سال خواهد بود و در طول حکومت او، پیمان صلحی میان اعراب و رومیان منعقد می‌شود.
 - مهدی قوانین حاکم را تغییر می‌دهد و تاریخ و زمان را نیز بر تاریخ و زمان اسلامی بنا خواهد کرد.
- ب) مطابق دیدگاه مسلمانان، در آخرالزمان، عیسی مسیح همراه مهدی خواهد بود. در منابع اسلامی ویژگی‌های عیسی مسیح چنین تصویر شده است (همان: ص ۵۸-۶۳):



- عیسی به عنوان فرمانبردار مهدی، بر مناره‌ای سفید در دمشق ظهور می‌کند. او پیشوای سپاهی است که ده‌ها هزار یهودی پیرو دجال را قتل عام می‌کند.
- عیسی مسلمانان رهبری مذهبی است که با از بین بردن مسیحیت رایج، اسلام را به عنوان تنها دین بر روی زمین برقرار می‌سازد.
- مالیات جزیه در دوران مهدی برداشته می‌شود؛ چراکه با رجعت عیسی، دیگر جزیه پذیرفته نیست و تنها انتخابی که مسیحیان دارند، این است که اسلام آورند، یا بمیرند.
- ج (دجال یا «ضدمسیح»، شخصیت دیگری است که ریچاردسون به بررسی او در روایات اسلامی پرداخته است. وی دجال را عنصری کلیدی در نگاه آخرالزمانی اسلامی می‌شمارد که دارای ویژگی‌های زیر است (همان: ص ۷۳-۷۸):
- دجال ادعای خدایی می‌کند؛ قدرت معجزه کردن دارد و موقتاً قدرت را در تمام دنیا به دست می‌گیرد.
- او از یک چشم نابینا و کلمه کافر در بین چشمان وی و یا بر روی پیشانی اش نوشته شده است.
- وسیله رفت و آمد او یک قاطر بزرگ است و به همه شهرها و روستاها -به جز سه شهر مکه، مدینه و دمشق- وارد می‌شود تا هر انسان زنده را آزمایش کند و فریب دهد.
- او فردی یهودی است که زنان و یهودیان از او پیروی می‌کنند و در آخر توسط عیسی بن مریم کشته خواهد شد.
- مسلمانان نام دجال را (همچون عیسی بن مریم) «مسیح» می‌دانند.
- مقدمه دوم: مسیحیت نیز در کتاب‌های مقدس خود، علاوه بر «مسیح» - به عنوان منجی نهایی - با شخصیت آخرالزمانی ویژه‌ای با عنوان «ضدمسیح» مواجه است (همان: ص ۴۵، ۸۰، ۱۱۹، ۱۵۷، ۱۷۱ و ۱۹۹).
- او موجودی خبیث است که پیش از رجعت مسیح، با نظام فاسد خود بر جهان حاکم می‌شود و با عناوین مختلفی همچون ضدمسیح، وحش (جانور یا هیولا)، مرد گناه و تباهی و یا یاجوج در کتاب مقدس توصیف شده است.
- حکومتی که دجال بنا می‌کند؛ در ظاهر کل جهان را شامل می‌شود؛ ولی به احتمال

زیاد منظور از تمامی کشورها و مردم در توصیف حکومت او، «کثرت» است و قدر مسلم آن است که مناطق اطراف اسرائیل را در بر می‌گیرد. هم اکنون مناطقی که به عنوان لشکریان دجال در کتاب های مقدس آمده است؛ همه کشورهای اسلامی را شامل می‌شود.

• او پیمان صلحی ۷ ساله با اسرائیل می‌بندد؛ ولی در میانه آن، پیمان خویش را می‌شکند.

• به گفته کتاب مقدس، دجال شخصی را تحت عنوان «پیامبر دروغین» به عنوان حامی خود به همراه دارد که یکی از نقش‌های اصلی این پیامبر دروغین، آوردن نشانه‌ها و معجزات گمراه کننده است.

• بنابر کتاب مقدس، کشتار عظیمی توسط ضد مسیح و لشکریان وی در آخرالزمان صورت می‌گیرد که ویژگی‌های آن کشتار عبارتند از: سراسری و عمومی بودن، کشتار با قصد تقرب به خداوند و به شیوه گردن زدن.

جمع‌بندی: آنچه گفته شد، نظریه خاص و معروف «ضدمسیح اسلامی» را نتیجه داده است. مهم‌ترین نتایج این نظریه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد (همان: ص ۴۷-۴۸):

۱. نگاه آخرالزمانی اسلامی وجه مقابل نگاه آخرالزمانی مسیحیت است؛ چراکه شیطان خواست خود را در قالب نگاه آخرالزمانی اسلام به مسلمانان باورانده است.

۲. ویژگی‌ها، علائم و رفتارهای منجی مسلمانان که با نام «مهدی» شناخته می‌شود، با نشانه‌ها و رفتار ضد مسیح کتاب مقدس مطابق است.

۳. عیسایی که مسلمانان معتقدند به یاری مهدی می‌شتابد، عیسی مسیح مورد وعده کتاب مقدس نیست؛ بلکه با پیامبر دروغینی که ضد مسیح را یاری می‌کند، مشابهت دارد.

۴. دجال که عنصری مذموم در دیدگاه آخرالزمانی اسلامی است، با ویژگی‌های منجی مسیحیان - عیسی مسیح - مشابهت فراوانی دارد.

۵. بنابر آنچه از کتاب مقدس برداشت می‌شود، پیش از رجعت مسیح، خلافتی اسلامی بخش وسیعی از خاورمیانه و اطراف آن را در بر می‌گیرد که اسرائیل را تصرف می‌کند و بسیاری از مسیحیان و یهودیان را می‌کشد؛ ولی این حکومت بیش از ۷ سال دوام ندارد و با آمدن عیسی مسیح شکست می‌خورد و برچیده می‌شود.



نقد و بررسی

نتیجه‌گیری نهایی نظریه ضدمسیح اسلامی در تطبیق منجی اسلامی با ضدمسیح کتاب مقدس؛ حاصل مقدماتی است که برخی از آن‌ها؛ از جمله اشکالاتی که به تاریخ، عقاید و احکام اسلامی وارد شده است؛ به دلیل مطرح شدن توسط دیگر مستشرقان در طول تاریخ و پاسخ‌دهی علمای اسلامی در این زمینه؛ در این نقد مورد بحث قرار نمی‌گیرد؛^۱ ولی موارد دیگری نیز از نظر تطبیقی باقی مانده که فارغ از صحت یا عدم صحت اطلاعات و برداشت‌های طراحان این نظریه از مسیحیت و کتاب مقدس؛ قابل بحث و بررسی است.^۲ در این زمینه موارد زیر قابل بیان است:

۱. حرکت موعود اسلامی، جهانی است و به خاورمیانه محدود نیست: نظریه «ضدمسیح اسلامی» بر محور اورشلیم (بیت‌المقدس) طرح‌ریزی شده و محدوده فعالیت ضدمسیح کتاب مقدس و مهدی اسلامی، تنها خاورمیانه و اطراف کشور فلسطین (اسرائیل) شمرده شده است؛ حال آن‌که چنین ادعایی از نظر مسلمانان پذیرفته شده نیست و آیات قرآن (انبیاء: ۱۰۵ و نور: ۵۵) و احادیث اسلامی (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۵۱۱؛ احمد حنبل، بی تا: ج ۳، ص ۱۷؛ طوسی، ۱۳۸۰: ص ۱۷۸ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۸۴)؛ صراحتاً بر حکومت امام مهدی علیه السلام بر سراسر زمین دلالت می‌نمایند. البته یکی از کانون‌های اصلی درگیری، خاورمیانه و شامات است؛ ولی سرزمین‌های دیگری همچون عربستان، خراسان و ایران نیز در روایات به عنوان مکان‌های درگیری نام برده شده که از هسته اصلی مورد ادعای این نظریه (بیت‌المقدس) فاصله دارند.

۲. یکی از ویژگی‌های مبنایی اعتقاد به ضدمسیح در اندیشه ریچاردسون، دعوت از مردم برای پذیرش وی به عنوان «خدا و معبود» و اجبار مردم به این باور است. این، در

۱. به عنوان مثال: در این زمینه ر.ک: «مستشرقان و قرآن»، نوشته دکتر محمد حسن زمانی، «دفاع عن القرآن ضد منتقدیه»، نوشته دکتر عبد الرحمن بدوی و «مستشرقان و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم»، نوشته دکتر حسین عبدالحمیدی.

۲. قابل ذکر است نویسنده این مقاله، در مقاله دیگری با عنوان «بررسی و نقد دیدگاه‌های جوئل ریچاردسون در زمینه مهدویت» در مجله انتظار موعود (ش ۴۸- بهار ۱۳۹۴) به صورت کامل تری به نقد و بررسی دیدگاه‌های ریچاردسون و از جمله نظریه ضدمسیح اسلامی پرداخته است.

حالی است که بنابر اعتقادات اسلامی، «مهدی» عدل محور و توحیدمحور است و به هیچ عنوان به پرستش خود دعوت نمی‌کند؛ چراکه در صورت چنین دعوتی، مسلمانان مطابق دستورات اسلامی از او بیزاری جسته و جدا می‌شوند. این مطلب چنان واضح و آشکار است که حتی دکتر ریگان، نویسنده و مفسر معروف مسیحی بدان معترف است. او می‌نویسد:

من متأسفم؛ ولی باور این امر [که رهبری اسلامی ادعای خدایی کند و مسلمانان آن را بپذیرند] برای من بسیار سخت و دشوار است. برای من پذیرش این امر نزد مسلمانان مثل این است که بگوییم شب، روز است یا روز، شب است... برای این که فردی بخواهد انسانی را خدا بداند، باید مسلمان بودن خود را کنار بگذارد (Reagan, www.lamblion.com/articles/articles_islam6.php).

۳. آنچه در زمینه کشتار و به خصوص شیوه کشتن موعود اسلامی (گردن زدن) گفته شده، صحت ندارد و بی‌اساس است (طبسی، ۱۳۸۸: ص ۲۴۸-۲۴۹ و منتظری، ۱۳۸۷: ص ۲۱۰-۲۳۰). به عکس، مطابق روایات اسلامی، بسیاری از مردم به واسطه رفتار نیکوی امام مهدی علیه السلام و حجت‌هایی که او اقامه می‌کند، به ایشان ایمان می‌آورند و پیرو امام می‌شوند. تنها عده کمی که به واسطه عناد مقابل امام می‌ایستند و به پذیرش دین حق حاضر نمی‌شوند؛ به مجازات می‌رسند.

۴. یکی از مهم‌ترین مقدمات نظریه ضد مسیح اسلامی، در مورد شیوه رفتار امام مهدی علیه السلام در مواجهه با اهل کتاب به‌ویژه یهودیان است. صاحبان این نظریه، مدعی‌اند که مهدی، همه غیر مسلمانان را به پذیرش اسلام مجبور می‌کند و در صورت عدم پذیرش اسلام، آنان را گردن می‌زند. این شیوه، به‌ویژه در مورد یهودیان که لشکریان دجال نیز هستند؛ شدیدتر خواهد بود. در این زمینه نکات زیر قابل تأمل است:

۴-۱. در مورد اجبار اهل کتاب به پذیرش اسلام، باید گفت، اگرچه برداشت از برخی روایات آن است که حکومت امام، شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد و همه غیر مسلمانان باید مسلمان شوند؛ وگرنه از میان خواهند رفت؛^۱ در مقابل این روایات، ظاهر برخی

۱ - به عنوان مثال: امام کاظم علیه السلام در مورد آیه ۸۳ سوره آل عمران: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾ همه اهل آسمان‌ها و زمین، به رغبت یا جبر، تسلیم اویند؛ می‌فرمایند: «انزلت...

آیات قرآن^۱ و روایات دیگر^۲ بر حضور اهل کتاب در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام اشاره دارد. وجه جمع همه آیات و روایات آن است که اولاً، غالب اهل کتاب با روشن شدن حقیقت و مشاهده نشانه‌های آشکار توسط حرکت اصلاحی امام عصر علیه السلام و کنار رفتن حجاب‌ها از فطرت آنان؛ به اسلام ایمان می‌آورند.^۳ ثانیاً، اهل کتابی که باقی می‌مانند، عقاید مشرکانه خویش را کنار نهاده و موحد می‌شوند و ثالثاً این عده در ابتدای دوران ظهور حضور دارند و به تدریج با آشکار شدن حقیقت و اتمام حجت با ایشان، تنها گروهی باقی خواهند ماند که لجوج و عنود بوده و با وجود روشنی راه، در مقابل آن می‌ایستند. این عده که در مقایسه با جمعیت انبوه اهل کتاب بسیار کم هستند (آبتی، ۱۳۸۳: ص ۲۶۰)؛ به قتل محکوم خواهند بود؛ چراکه اگر کسی با تبلور چنین نشانه‌های آشکار، همچنان بر دین منسوخ خود اصرار ورزد و از پذیرش آیین اسلام سر باز زند؛ هیچ انگیزه‌ای جز عناد با حق و لجاجت و خودسری نخواهد داشت و چنین انسان‌هایی

....→

فی القائم علیه السلام. اذا خرج باليهود والنصارى و الصابئين والزنادقة و اهل الردة و الكفار فى شرق الارض و غربها فعرض عليه السلام. فمن اسلم طوعا امره بالصلوة و الزكاة و مايومر به المسلم و يجب لله عليه و من لم يسلم ضرب عنقه حتى لا يبقى فى المشارق و المغارب احد الا وحده... ولا يقبل صاحب هذا الامر الجزية كما قبلها رسول الله...؛ آیه، درباره قائم نازل شده است. در وقت ظهور، اسلام بر یهود و ترسایان و صابئین و زندیقان و مرتدان و کافران شرق و غرب زمین بر او عرضه می‌شود. هر کس مسلمان شد، می‌باید نماز و روزه و سایر واجبات را به جای آورد و هر کس ابا و ورزید، کشته می‌شود. تا در روی زمین همه موحد باشند... صاحب این امر، مثل پیامبر، جزیه نمی‌پذیرد» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۸۳).

۱. مانند مائده: ۱۴: ﴿فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ که ظاهر آن باقی ماندن عداوت بین اهل کتاب تا روز قیامت است.

۲. مانند این روایت که از امام صادق علیه السلام است: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ...: «قُلْتُ فَمَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ عِنْدَهُ قَالَ يَسْأَلُهُمْ كَمَا سَأَلَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ يُوَدُّونَ الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ؛ به امام صادق علیه السلام عرض کردم: با کافران ذمی چه می‌کند؟ فرمود: مانند پیغمبر با آن‌ها صلح می‌کند و آن‌ها نیز با کمال ذلت جزیه به وی می‌دهند...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۷۶).

۳. البته روند اسلام آوردن اهل کتاب، لزوماً دفعی نیست و بعید نیست تدریجی باشد و با توجه به نشانه‌هایی که امام از پیامبران گذشته نمودار می‌سازد و نیز قضاوت امام بین اهل کتاب بنابر دیدگاه دینی ایشان (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۷)، این روند تسریع یابد.

چنانچه در دنیا باقی بمانند، افزون بر این که بر گناهان خود می‌افزایند، تهدیدی برای مؤمنان خواهند بود؛ چرا که ممکن است در ایمان مؤمنان رخنه کنند و جامعه را در درازمدت به تباهی بکشند. این نظریه، دیدگاه بسیاری از علما، از جمله مرحوم علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ص ۱۶۰)؛ شهید سید محمد صدر (صدر، ۱۳۸۴: ص ۶۱۲) و نیز آیت الله مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۲۸۸) است.

۲-۴. در مورد برخورد خشونت‌بار و کینه‌آمیز مهدی علیه السلام و مسلمانان پیرو ایشان با یهودیان؛ باید گفت منشأ این اتهام ظاهر یک روایت (بخاری، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۴۳ و مسلم، بی تا: ج ۴، ص ۲۲۳۹) است که علاوه بر وجود تشکیکاتی در مورد منبع و سند آن؛ نمی‌توان آن را مستقیماً به دوران پس از ظهور مرتبط دانست.^۱ لکن در صورت وقوع این امر در زمانه قیام امام مهدی علیه السلام؛ چنان که در شیوه رفتاری ایشان با اهل کتاب بیان گردید؛ رفتار امام بر مدارا و اتمام حجت مبتنی است و حکم به قتل یهودیان به صورت عام به هیچ عنوان پذیرفته شده نیست.

۵. روایتی که در مورد پیمان ۷ ساله امام مهدی با یهودیان مورد استناد قرار گرفته^۲، به دلایل چندی خلاف برداشت نویسنده است:

۱-۵. حدیث مذکور در میان روایات اسلامی و نزد علمای مسلمان جایگاه مهمی ندارد. این حدیث منبع مستقل شیعی نداشته^۳ و اولین ناقل حدیث در میان اهل سنت، طبرانی (طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۸، ص ۱۰۱) است.^۴ هیثمی در مجمع الزوائد با نقل این

۱. این حدیث؛ چنان که مسلم و دیگر محدثین تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ جزو احادیث «اشراط الساعة» (وقایع پیش از قیامت) می‌باشد و اشراط الساعة لزوماً با زمانه ظهور امام مهدی علیه السلام مترادف نیست.

۲. متن حدیث مورد استناد ریچاردسون چنین است: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَيَكُونُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الرُّومِ أَرْبَعُ هُدُنَ، تَقُومُ الرَّابِعَةُ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ هِرَقْلَ يَدُومُ سَبْعَ سِنِينَ»، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ عَبْدِ الْقَيْسِ يُقَالُ لَهُ الْمُسْتَوْرِدُ بْنُ خَيْلَانَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ إِمَامُ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: «مَنْ وُلِدَ أَرْبَعِينَ سَنَةً كَأَنَّ وَجْهَهُ كَوَكَبِ دُرَى، فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ، عَلَيْهِ عَبَاءَتَانِ قَعْوَايْتَانِ، كَأَنَّهُ مِنْ رَجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، يَمْلِكُ عَشْرِينَ سَنَةً يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ، وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرْكِ» (طبرانی، ۱۴۰۴: ج ۸، ص ۱۰۱).

۳. اولین کتاب شیعی که این حدیث را نقل کرده کتاب «کشف الغمه» است که آن نیز، حدیث را از معجم طبرانی نقل کرده است (رک: اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۷۰).

۴. قابل ذکر است: نعیم ابن حماد (م ۲۲۸ق) نیز در کتاب «الفتن»، احادیثی در زمینه صلح میان مسلمانان و دولت روم نقل کرده که خصوصیات حدیث مذکور را ندارد و با آن متفاوت است (رک: ابن حماد،

حدیث از طبرانی، آن را به دلیل وجود «عنبسة بن أبی صغیره» در سند، ضعیف می‌شمارد (هیثمی، ۱۴۱۲: ج ۷، ص ۶۱۹). بقیه کتاب‌های متأخر نیز با تفاوت مختصری همان متن طبرانی را نقل کرده‌اند.^۱

۲-۵. در دلالت حدیث نکاتی دیده می‌شود که جای تأمل و دقت دارد: اول این‌که منظور از رومیان در متن حدیث: «سیکون بینکم و بین الروم أربع هدن...» چیست؟ آیا کشورهای غربی که غالباً مسیحی هستند، مصداق کنونی آن‌ها هستند^۲ (چنان‌که نویسنده کتاب ادعا می‌کند) و یا به منطقه روم قدیم (قسطنطنیه و شامات) نیز اطلاق می‌شود؟ در صورت دوم، که کاربردهای اولیه «روم» نیز آن را تایید می‌کند، دیگر نمی‌توان اهل روم را صرف مردمان غرب امروزی دانست. نکته دوم این‌که مطابق آیات و احادیث که به برخی از آن‌ها در مباحث قبل اشاره گردید؛ با ظهور حضرت مهدی علیه السلام حکومت ایشان در کل جهان استقرار خواهد یافت و حتی اگر اهل کتاب با شرایط ذمه در آن دوران باقی بمانند؛ صاحب حکومتی نخواهند بود. بنابراین، حتی در صورت پذیرش متن روایت، می‌باید این پیمان را قبل از استقرار امام مهدی علیه السلام بر کل جهان دانست. علاوه بر آن‌که طبق حدیث، پیمانی میان مسلمین با رومیان صورت می‌گیرد و نه یهودیان و اسرائیل (حال آن‌که در عبارت ریچاردسون تنها پیمان ضد مسیح با اسرائیل بیان شده است) واسطه بودن شخص یهودی، حتی در صورت اثبات؛ صورت مسئله را تغییر نمی‌دهد.

۶. از دیگر مواردی که صاحبان این نظریه چشم بر آن بسته‌اند؛ بحث همراهی حضرت عیسی بن مریم علیه السلام با امام مهدی علیه السلام در حرکت اصلاحی نهایی است. این نکته که در منابع متعدد شیعی و سنی ذکر و توسط علمای اسلامی مکرراً عنوان شده

→

۱۴۱۲: ج ۱، ص ۳۹۹.

۱. لیست کتاب‌هایی که این حدیث یا مشابه آن را بیان کرده‌اند، در این منبع آمده است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۶-۱۲۸).

۲. البته برخی علما با این برداشت از روم در احادیث موافق هستند (به عنوان مثال: «المقصود بالروم فی الأحادیث الواردة عن آخر الزمان وظهور المهدي علیه السلام: الشعوب الأوربية و امتدادهم فی القرون الأخيرة فی آمریکا. فهؤلاء هم أبناء الروم، وورثة أمبراطوریتهم التاريخية» (ر.ک: کورانی، بی تا: ص ۳۱).

است (بخاری، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۱۶۸؛ مسلم، بی تا: ج ۱، ص ۱۳۵؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۷۵ و کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۴۲)؛ بستری هم‌گرایانه جهت همراهی مسلمانان و مسیحیان در دوران پس از ظهور فراهم می‌آورد و این مهم، بر پذیرش عمومی و تشکیل حکومت عدالت منشانه تأثیری به سزا خواهد داشت.

۷. علاوه بر موارد مذکور، در نگاه شیعی به نکاتی بر می‌خوریم که با مفروضات این نظریه در مورد نگاه آخرالزمانی اسلام تناقض بیش‌تری دارد. به عنوان مثال: دجال، عنصری محوری در نگاه آخرالزمانی شیعی نیست^۱ و برخلاف آنچه ادعا شده است، تصرف بیت‌المقدس مشخصه اصلی امام مهدی علیه السلام نزد شیعیان نیست و حرکت امام مهدی علیه السلام بر محور اورشلیم نمی‌گردد؛ بلکه از مکه آغاز و به تدریج عالم‌گیر می‌شود. همچنین امام مهدی علیه السلام اورشلیم و بیت‌المقدس را به عنوان مقرر حکومت خویش بر نمی‌گزیند؛ بلکه مطابق روایات شیعی، شهر کوفه چنین جایگاهی دارد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۷۵).

بنابر آنچه گفته شد، نظریه ضد مسیح بر پیش‌فرض‌هایی مبتنی است که در بسیاری از آن‌ها تردید وجود دارد و اصل آن را به چالش دچار می‌کند. به عنوان مثال: جهانی بودن حکومت امام مهدی علیه السلام (و نه منحصر بودن به خاورمیانه) و یا برقراری نظام توحیدی توسط ایشان (و نه دعوت به پرستش خویش) با اصل تطبیق مهدی مسلمانان با ضد مسیح کتاب مقدس؛ که بنا به ادعای صاحبان نظریه، همچون ریچاردسون حکومتی منطقه‌ای داشته و به پرستش خود دعوت می‌کند؛ منافات اساسی دارد. تطبیقات دیگر این نظریه، همچون معادل قرار دادن پیامبر دروغین کتاب مقدس با عیسی مورد نظر مسلمانان و به ویژه تطبیق دجال مسلمانان با عیسی مورد نظر مسیحیان؛ علاوه بر نداشتن مستند قابل اعتماد؛ دارای تناقض بسیاری است که حتی طراحان آن نتوانسته‌اند آن را بر طرف کنند (ریچاردسون، ۲۰۰۸: ص ۱۵۶-۱۶۳).

۱. ارجاع کم امامان شیعه به دجال و در مقابل ارجاع بیش‌تر به عناصر دیگری همچون سفیانی، کم‌رنگ بودن ارتباط مستقیم دجال با ظهور امام عصر علیه السلام و نیز عدم اقبال علمای شیعی به این موضوع، نمایان‌گر جایگاه پایین این بحث در مسائل آخرالزمانی مذهب تشیع دارد.

دیدگاه تکمیلی اسلام، ردای ضد مسیح

در ادامه نظریه پردازی در زمینه یکسان‌انگاری ضد مسیح کتاب مقدس با امام مهدی علیه السلام منجی مسلمانان؛ جک اسمیت^۱ (که بنابر مقدمه کتابش کشیشی اوانجلیستی و آمریکایی است) در سال ۲۰۱۱ کتابی نگاشته که علاوه بر تأیید دیدگاه نظریه پردازان «ضدمسیح اسلامی»؛ با شواهد بیش‌تر و جدیدتر در استحکام و اثبات این دیدگاه تلاش داشته است. وی نام کتاب خود را «اسلام، ردای ضد مسیح»^۲ گذاشته و جالب توجه، این که تیموتی فرنیش^۳ نیز بر این کتاب پیش‌گفتار نگاشته و با استناد به مطالب کتاب هشدار داده که «کلیسا باید خطر امام دوازدهم - مهدی - را جدی بگیرد». از آن‌جا که این دیدگاه حاوی مطالبی جدید بوده و از طرفی (چنان‌که مشاهده خواهد گردید) بر منجی شیعی، به عنوان دشمن مسیحیان در آخرالزمان تکیه دارد؛ بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد. در ادامه با (صرف نظر از مطالب مشابه این دیدگاه با نظریه «ضدمسیح اسلامی») به عناوینی که در این دیدگاه به صورت خاص بر آن پافشاری شده و نویسنده در صدد اثبات آن بوده است؛ پرداخته می‌شود.

۱. اسلام، آیین شیطنی ضد مسیح در آخرالزمان

در نگاه جک اسمیت، قرآن مملو از آیاتی است که به مسلمانان اجازه استفاده از زور برای تغییر دین غیر مسلمانان داده است! بر همین مبنا، اسلام در طول تاریخ بیش‌ترین دشمنی‌ها را بر یهودیان و مسیحیان روا داشته و دلیل این مطلب، جنگ‌های مقدسی است که مسلمانان علیه مسیحیان داشته‌اند. از همین روست که کتاب مقدس - مزامیر باب ۸۳ آیات ۲ تا ۸ - فرزندان اسماعیل و مردمان اطراف اسرائیل را که اکنون مسلمان هستند؛ دشمنان خدا معرفی کرده که در صدد نابودی اسرائیل در طول تاریخ خواهند بود (اسمیت، ۲۰۱۱: ص ۵۰-۵۶).

۱. Jack Smith، احتمال این‌که این نام مستعار باشد، زیاد است.

2. Smith Jack, Islam: The Cloak of Antichrist, Winepress Publishing, 2011.

۳. تیموتی فرنیش (Timothy R. furnish) استاد دانشگاه جرجیا در آمریکا، بیش از ۱۵ سال است در مورد مسائل اسلامی و به ویژه منجی‌گرایی اسلامی به تحقیق و تالیف مشغول است
www.mahdiwatch.org/id (html)

۲. تطبیق ضد مسیح مذکور در کتاب مقدس بر امام دوازدهم شیعیان (مهدی)

مطابق دیدگاه اسمیت، در کتاب مقدس، ویژگی‌هایی برای ضد مسیح شمرده شده که تنها بر نسخه منجی شیعیان تطبیق دارد، نه بر نسخه سنی‌ها. وی برای اثبات دیدگاه خود، شواهدی از تاریخ، عقاید و منابع اسلامی می‌آورد و استناداتی نیز به کتاب مقدس دارد. اهم مستندات اسمیت در این زمینه از قرار زیر است:

۱-۲. مطابق کتاب مقدس، آخرین نظام پادشاهی پیش از آمدن مسیح، یک امپراتوری «تقسیم شده» و دشمن خداست (دانیال ۲: ۴۱). همان طور که می‌دانیم اسلام در همان ابتدا به دو شاخه سنی و شیعی تقسیم شده است. این نظام پادشاهی «در نسلی از مردم خواهد بود» (همان: ۴۳) که این نیز در شیعه متجلی است؛ چراکه شیعیان به امامت فرزندان علی علیه السلام معتقد هستند و تنها فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام، به ترتیب داماد و دختر محمد صلی الله علیه و آله را شایسته امامت قلمداد می‌کنند. همچنین در کتاب مقدس برای این پادشاهی، ۱۰ شاخ به تصویر کشیده شده است (دانیال ۷: ۷) و ما می‌دانیم که پس از درگذشت محمد، ۱۰ تن از صحابه وی به عنوان وارثان بهشت به صورت اجماعی معین شدند و مسلمانان از ایشان تبعیت کردند. علاوه بر این، در کتاب مقدس پیشگویی شده که در این پادشاهی ضد خدا، از میان سه شاخ، یک شاخ از ریشه جدا خواهد گشت (همان: ۸) و از همین شاخ است که پادشاه نهایی بر خواهد خاست و علیه دیگران قیام می‌کند و بر تمامی جهان تسلط می‌یابد (همان: ۲۱-۲۴). تاریخ نشان می‌دهد شیعه پس از واقعه کربلا در ۶۸۰ میلادی، دیگر سه خلیفه ابتدایی (ابوبکر، عمر و عثمان) را نپذیرفت و با پذیرش علی به عنوان جانشین محمد، راه خود را از اهل سنت جدا کرد. بنابر اعتقاد شیعه، از همین نسل، «المهدی» بر خواهد خاست و علیه اهل سنت و دیگر مردم جهان قیام می‌کند و دنیا را تحت تسلط خویش در خواهد آورد (اسمیت، ۲۰۱۱: ص ۹۰-۱۰۰).

۲-۲. مطابق آنچه در تاریخ آمده است، حاکمان سنی، چون امامان شیعی را رقیب خود قلمداد می‌کردند، آن‌ها را از میان بر می‌داشتند. با تولد «محمد بن الحسن علیه السلام»، فرزند امام یازدهم شیعیان، وی فرزندش را از دید عموم خارج کرد و جز عده‌ای خاص از شیعیان، کسی از وجود او مطلع نبود و وقتی حسن عسکری علیه السلام درگذشت، فرزند او که ۷



سال بیش‌تر نداشت، به‌طور کامل مخفی گردید که شیعیان، از آن با عنوان «غیبت»^۱ یاد می‌کنند. شیعیان امام دوازدهم خود را منتظر، قائم و صاحب شمشیر می‌خوانند که به ویژه صفت اخیر - مطابق روایات شیعی^۲ - حاکی از آن است که روش مهدی بر جنگ و خونریزی مبتنی است و برخلاف پیامبر اسلام، با دشمنان خویش مدارا و نرمی ندارد (همان، ۲۰۱۱: ص ۱۸۶-۱۹۰).

۳-۲. در کتاب مقدس؛ به ویژه مکاشفات یوحنا، ضد مسیح با عناوین و ویژگی‌های مختلفی به تصویر کشیده شده است. از جمله عناوینی که برای ضد مسیح در مکاشفات یوحنا به‌کار رفته «وحش (هیولا) سرخ فام»^۳ با هفت سر و ده شاخ است (مکاشفات ۱۷: ۳). مطابق دو عبارت دیگر از همین باب (مکاشفات ۱۷: ۸ و ۱۱)؛ خصوصیتی برای ضد مسیح می‌بینیم که تنها بر امام دوازدهم شیعیان تطبیق دارد. در عبارت اول می‌خوانیم: «آن وحش که دیدی، بود و نیست و از هاویه خواهد برآمد و به هلاکت خواهد رفت.» با دقت در این عبارت در می‌یابیم:

• چنان که در تاریخ گفته شده است و شیعیان بدان معتقدند، امام دوازدهم «محمد بن حسن» حدود ۱۲۰۰ سال قبل به دنیا آمده است. بنابراین، عبارت «آن وحش که دیدی، بود...»؛ بر او قابل تطبیق است.

• مطابق دیدگاه شیعیان، امام دوازدهم پس از درگذشت پدر خود، از دید مردم مخفی شده و غایب گشته است. لذا عبارت «آن وحش... نیست...» هم بر او صادق است.

• همه مسلمانان به‌ظهور مهدی در آخرالزمان قائل هستند. در این میان، شیعیان، شخص معینی را مصداق مهدی می‌دانند و او، همان «امام دوازدهم» است که سال‌ها قبل مخفی شده است. در حال حاضر، شیعیان معتقدند مهدی، زنده است و درون چاه مسجد جمکران، در روستایی نزدیک قم استقرار دارد و به همین دلیل است که هر هفته هزاران شیعه در آنجا جمع شده و درخواست‌های خود را برای

1. Occultation

۲. از جمله ر. ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۱.

3. Scarlet Beast

رسیدن به مهدی درون چاه، می‌اندازند. این چاه همان جایی است که شیعیان به ظهور مهدی از آن معتقد هستند. با این توصیفات مشخص می‌شود قسمت سوم عبارت مکاشفات، یعنی «آن وحش... از هاویه خواهد برآمد»؛ بر مهدی شیعیان تطبیق کامل دارد (هاویه همان چاه عمیق است)

(<http://www.jacksmithprophecy.org/index.php/iran-the-trigger-for-the-beginning-of-tribulation>).

• عبارت انتهایی مکاشفات نیز به ما وعده داده است ظهور ضدمسیح با نابودی نهایی مصادف است: «آن وحش... به هلاکت خواهد رفت». لذا ما معتقدیم عاقبت منجی اسلامی نابودی و هلاکت است (اسمیت، ۲۰۱۱: ص ۱۹۰-۱۹۸ و ۲۷۳).

• کتاب مقدس پیشگویی کرده که در آخرالزمان یک امپراتوری عظیم از مذهبی دروغین سر بر خواهد آورد که کل جهان را تسخیر می‌کند (مکاشفات ۱۳: ۷). اسلام در حال حاضر، بدون خلیفه و خلافت است؛ ولی مطابق نگاه آخرالزمانی اسلام، مهدی - منجی مسلمانان - آخرین خلافت اسلامی را برپا خواهد کرد که این خلافت بر کل جهان تسلط خواهد یافت. این خلافت، هشتمین خلافت، پس از هفت دودمان خلفای اسلامی (بنی امیه، بنی عباس، فاطمیون مصر، ایوبیان و سلجوقیان، مغول و عثمانی) است و کاملاً بر عبارات مکاشفات (۱۷: ۱۰-۱۲) تطبیق دارد (اسمیت، ۲۰۱۱: ص ۲۰۰-۲۰۸).

• یکی از رویدادهای مذکور در کتاب مقدس در آخرالزمان، اتحاد کشورهای اطراف اسرائیل (شامل عراق، سوریه، ترکیه، اردن، لبنان، عربستان و در نهایت ایران) و حمله به اورشلیم (بیت المقدس) و تسلط بر آن است. اشغال اورشلیم توسط لشکر اسلامی، به رهبری مهدی صورت می‌پذیرد و مدت ۷ سال ادامه خواهد داشت. در نیمه ابتدایی این ۷ سال، مسلمانان از یهودیان و مسیحیان «ذمه» دریافت می‌کنند؛ ولی در نیمه دوم، ذمه برداشته شده و همه ایشان می‌بایست به «الله» (خدای مسلمانان) ایمان بیاورند؛ وگرنه کشته می‌شوند. در این میان، مسیحیان راستین به آسمان برده شده^۱ و یهودیان نیز از پذیرش «الله» سر باز می‌زنند. در انتهای هفت



بزرسی و نقد نظرات «ضد مسیح اسلامی» ...

سال، عیسی مسیح همراه ایمان آورندگان خویش بر زمین فرو می‌آید و یهودیان باقی‌مانده به وی ایمان آورده و نجات می‌یابند. مسیح اورشلیم را از دست لشکریان ضد مسیح (که همان منجی اسلامی و مهدی شیعی است) نجات می‌دهد و حکومت خود را بر آن بنا می‌نهد (همان: ۲۹۵-۳۰۱).

نقد و بررسی

نظریه «اسلام، ردای ضد مسیح» در ادامه دیدگاه «ضد مسیح اسلامی» طرح شده است و طبعاً در اصلاح اشکالات و طرح ادعاهای جدید و مستند کردن آن‌ها بر اساس منابع اسلامی و مسیحی، سعی و تلاش دارد. نظریه او بر مبنای برخی تهمت‌ها علیه اسلام، پیامبر خدا ﷺ و عقاید اسلامی شکل گرفته است و به بسیاری از این دعاوی در طول سالیان دراز پاسخ داده شده و طرح آن‌ها در این نوشتار ضروری نمی‌نماید. در مقام نقد این نظریه، تنها به چند نکته در زمینه موارد تطبیقی آن پرداخته می‌شود:

۱. همان‌گونه که در بخش نقد نظریه «ضد مسیح اسلامی» تذکر داده شد، مصداق‌یابی برای ضد مسیح در طول تاریخ مسیحیت سابقه‌ای دیرینه دارد (توفیقی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۶) که آخرین نمونه‌های آن هیتلر (www.nowtheendbegins.com/)؛ صدام حسین (www.bible-codes.org/letters-Saddam-antichrist-type-figure-)؛ پاپ رهبر کاتولیک‌های جهان (www.pacinst.com/antichri.htm)؛ چند تن از رییس جمهوران آمریکا (foursignposts.com/2015/03/02/add-) و در آخر مهدی -منجی مسلمانان- بوده است. هریک از این دیدگاه‌های تطبیقی با دلایل خویش مدعی بودند ادعایشان با واقع و بر مبنای تفسیر و برداشت درست از کتاب مقدس کاملاً منطبق است. همین مطلب نشان می‌دهد که این‌گونه نظریات بر مبنای حدس و گمان شکل گرفته و ریشه آن در تفسیرهای ظنی از کتاب مقدس است. به فرض قبول همه محتویات کتاب مقدس، در قبول تفسیرهای جدید از آن، تردیدهای جدی وجود دارد که

پاره‌ای از این اشکالات را خود علمای پروتستانی ابراز کرده‌اند.^۱ از طرف دیگر، این نویسندگان؛ که خود را رمزگشای عبارات کتاب مقدس می‌نامند؛ در کتاب‌ها و نوشته‌های پیشین خود با استناد به بخش‌هایی از کتاب مقدس، در مورد حوادث روزگار، مانند جریان‌های سالیان اخیر در مصر و ترکیه و یا ظهور داعش و یا حتی برخی بیماری‌های فراگیر دیدگاه‌هایی ابراز کرده‌اند (www.jacksmithprophecy.org/2012/07/02/egypts-morsi-the-muslim-brotherhood-and-bible-prophecy)؛ که گذشت زمان نادرستی برداشت‌های ایشان را نشان داده است. از سوی دیگر، این افراد برای قبولاندن ادعای خویش به چشم‌پوشی بر بسیاری عبارات کتاب مقدس در مورد آخرالزمان مجبور می‌شوند^۲ که طبعاً این رویکرد قابل پذیرش نیست. نتیجه آن‌که برداشت‌های متفاوت کنونی از کتاب مقدس به فرض عدم امکان تکذیب، تأیید پذیر و یقین‌آور هم نیست و نمی‌توان به صرف چند تشابه احتمالی، بدان‌ها معتقد شد.

۲. اشکال دیگری که بر این دیدگاه و نظریه‌های مشابه وارد است؛ این‌که صاحبان این نظریه‌ها برای اثبات ادعاهای خود به بخش کوچکی از اعتقادات اسلامی متمسک شده و بسیاری عقاید دیگر را که با ایده ایشان تضاد کلی یا جزئی دارد؛ عامدانه رها کرده‌اند. در نظریه «اسلام، ردای ضد مسیح» این مسئله به صورت واضح‌تری قابل مشاهده است. به عنوان مثال: طراح این نظریه به تطبیق ضد مسیح بر منجی شیعی یعنی امام دوازدهم شیعیان قائل است و نه نسخه سنی و چندین فصل از کتاب خود را به این مقوله تخصیص داده است. طبعاً اگر ادعای تطبیقی درست باشد، باید به همه لوازم آن نیز پایبند باشد؛ ولی وی در گوشه‌ای دیگر از ادعای خود (مصادق‌یابی از عبارت «ده شاخ» در کتاب مقدس)؛ همه مسلمانان را به پیروی از صحابه ۱۰ گانه (عشره مبشره)

۱. به عنوان مثال: ر.ک: اشکالات دکتر استفان سایزر و دکتر ریگان به برداشت‌های ناصحیح ریچاردسون و همفکرانش از کتاب مقدس:

Sizer, <http://stephensizer.blogspot.com/2009/03/conversing-with-joel-in-shadows.html> - Reagan, www.lamblion.com/articles/articles_islam4.php.

۲. به عنوان مثال: برخاستن ضد مسیح از بستر امپراتوری احیا شده روم (www.raptureready.com/abc/Roman_Empire.html) و یا پرستش ضد مسیح توسط پیروانش (مکاشفات ۱۳: ۱۵) و بسیاری موارد دیگر.

معتقد می‌داند که حداقل نسبت به شیعه نادرست است (امینی، ۱۴۱۶: ج ۱۰، ص ۱۶۳-۱۸۳). یکی دیگر از پایه‌های نظریه جک اسمیت، تطبیق امام دوازدهم شیعیان حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام بر عبارت مکاشفات (۱۷: ۸ و ۱۱)، می‌باشد: «آن وحش که دیدی، بود و نیست و از هاویه خواهد برآمد...». فارغ از این مطلب که وی برای استناد به این عبارت، برخلاف دیدگاه غالب نویسندگان غربی، بر تولد امام مهدی علیه السلام صحه گذاشته و قول شیعی در مورد ولادت و همچنین غیبت ایشان را قبول کرده است؛ در مورد محل زندگی و ظهور ایشان سخنی بر زبان رانده که هیچ یک از شیعیان بدان معتقد نیست. او برای اثبات ظهور امام دوازدهم علیه السلام که از منظر او همان ضدمسیح است؛ از مکانی چاه مانند (هاویه)، به تهمتی دست یازیده که در طول سالیان اخیر بارها رسانه‌های غربی برای تخریب باور مهدویت آن را مطرح و تکرار کرده‌اند (www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2008/05/07/AR2008050703587_pf.html) و آن مطلب، ادعای باور شیعیان به زندگی امام مهدی در چاه مسجد جمکران و ظهور وی از این مکان می‌باشد. جالب توجه این که به سبب سست بودن این ادعا و عدم توانایی نویسنده در بیان شاهی از کتاب‌ها و منابع شیعی در این زمینه، وی به گزارش چند رسانه و نویسنده ضداسلامی متمسک گشته و به عکس استنادات مکرری که وی در زمینه‌های مختلف به منابع اسلامی و شیعی دارد؛ در این جا به همین مقدار بسنده کرده است. این‌ها همه در حالی است که علمای بزرگوار شیعه، بارها به علت عریضه‌نویسی در کنار چاه جمکران اشاره کرده‌اند (<http://makarem.ir/main.aspx?lid=25&mid=246653&typeinfo=&catid=23309>)؛ و هیچ فردی در شیعه به حضور امام مهدی علیه السلام و قیام ایشان از این چاه و حتی از مسجد جمکران معتقد نیست؛ بلکه همه شیعیان به تبع روایات مکرر (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۳۱)؛ به ظهور امام عصر علیه السلام از مکه مکرمه قائل هستند و بسیار بعید است جک اسمیت و هم‌مسلمانان او این روایات را ندیده باشند.

۳. در نظریه‌های انطباقی جدید همچون نظریه «اسلام، ردای ضدمسیح»؛ تلاش زیادی صورت می‌گیرد که اثبات شود مسلمانان و منجی اسلامی - مهدی - به دنبال ایجاد خلافتی جدید هستند که به امپراتوری سراسری می‌انجامد و هفتمین (و یا

هشتمین) امپراتوری بوده و از بستر نظام پادشاهی آخر بر خواهد خاست.^۱ جالب توجه این که هر يك از این ایده ها، برای شمارش این هفت (یا هشت) امپراتوری به صورتی متمایز عمل می‌کند و در حالی که نظریه «ضدمسیح اسلامی» امپراتوری‌های ایران، یونان، روم و... را مشمول آن معرفی می‌کند (ریچاردسون، ۲۰۰۸: ص ۱۲۴)؛ نظریه «اسلام، ردای ضدمسیح» سعی کرده است همه این امپراتوری‌ها را در سلسله حکومت‌های اسلامی همچون بنی‌امیه، بنی‌عباس، فاطمیون و ایوبیان مصر، سلجوقیان و عثمانی‌ها معرفی کند. طبعاً نگاه به تاریخ کشورهای اسلامی نشان می‌دهد نظام‌های نامبرده در یک سطح نیستند و در این لیست، حکومت‌های بسیار دیگر همچون غزنویان، صفویه و قاجار در شرق یا موحدون و مرابطون در غرب عالم اسلام از قلم افتاده‌اند؛ حکومت‌هایی که از نظر وسعت یا طول حکومت، حداقل با برخی از نظام‌های نامبرده قابل مقایسه هستند. لذا به هر صورت نمی‌توان تعداد هفت (یا هشت) امپراتوری پیشین را با نظام‌های مذکور تطبیق داد. علاوه بر آن که مطابق عبارات استناد داده شده از کتاب مقدس، امپراتوری نهایی (که همان خلافت منجی اسلامی است) احیاشده از آخرین نظام امپراتوری گذشته خواهد بود. طبعاً در لیست عنوان شده آخرین نظام پادشاهی اسلامی، امپراتوری عثمانی است، ولی نظریه «اسلام، ردای ضدمسیح» بستر امپراتوری نهایی را نه از کشور عثمانی - ترکیه - بلکه اصالتاً از ایران معرفی می‌کند که این نیز یکی دیگر از تناقضات این نظریه است.

۴. یکی دیگر از استنادات این نظریه بر حکومت ۷ ساله منجی اسلامی - مهدی - استوار است. باید توجه کرد این عدد بیشتر بر نظر اهل سنت در این زمینه مبتنی است و نه دیدگاه شیعی.^۲ بلکه از بسیاری علمای اسلامی، با توجه به روایات مختلف در این موضوع، دیدگاه‌های دیگری ابراز داشته‌اند (صدر، ۱۳۸۴: ۳۷۵-۳۷۹ و مکارم شیرازی،

۱. Revived Empire

۲. جالب توجه این که تمام روایاتی که مدت حکومت حضرت را هفت سال ذکر کرده‌اند؛ به روایت ابو سعید خدری برمی‌گردد (سلیمان، ۱۳۸۵: ۲۸۶). توجه کنید که برخی علمای شیعی، قول ۷ سال را در آثار خویش ذکر کرده‌اند (ر.ک: ورمزیار، ۱۳۹۲: ص ۲۳).

۱۳۸۶: ۲۸۱). بنابراین، تطبیق این عدد بر طول دوران رنج و محنت^۱ نیز قابل خدشه و ایراد است.

ایرادات دیگری بر این نظریه وارد است که به علت اختصار و نیز ذکر موارد مشترک در نقد نظریه «ضدمسیح اسلامی» از آن موارد صرف نظر می‌شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی دیدگاه‌های برخی نویسندگان و مبلغان مسیحی که در زمینه تطبیق منجی اسلامی بر نماد ضدمنجمی در مسیحیت، یعنی ضدمسیح تلاش بسیاری داشته‌اند؛ می‌توان نکات زیر را دریافت:

۱. این افراد برای اثبات نظریه خود با استفاده از تاریخ، عقاید و منابع اصلی اسلامی (قرآن و احادیث) سعی داشته و در این زمینه تحقیقات وسیعی صورت داده‌اند. لذا برای پاسخ به این دیدگاه‌ها می‌بایست به مبانی اسلامی اشراف کاملی حاصل کرد.
۲. معمول طراحان این نظریات، دیدگاه‌های تفسیری خاصی از کتاب مقدس ارائه می‌کنند که با جریان مرسوم عقیدتی در جهان مسیحیت مخالف است و بدین سبب سعی می‌کنند با شواهد تطبیقی و البته رسانه‌های تبلیغی، دیدگاه‌های خود را در جوامع مسیحی تثبیت کنند. برای پاسخ به این بخش، بهترین شیوه استناد به منابع و شخصیت‌های مقبول مسیحی و ذکر اشتباهات تفسیری و تناقضات آرای مذکور است. گذشت زمان نشان می‌دهد طراحان و سیاستگذاران این جریان فکری، با بهره‌گیری از شرایط روزگار معاصر، در اصلاح و تکمیل آرای خویش تلاش دارند تا آن‌جا که برخی، منجمی شیعی (حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام) را آماج تهمت‌های ناروای خویش قرار داده‌اند. لذا رصد دقیق و هوشمندانه این طیف فکری و پاسخ‌دهی در زمان مناسب، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۱. Tribulation

منابع

قرآن کریم

۱. آیتی، نصرت‌الله (پاییز ۱۳۸۳). *عدالت مهدوی و ادیان*، مجله انتظار موعود، شماره ۱۳.
۲. امامی جمعه، مهدی و جهان احمدی، آزاده (پاییز ۱۳۸۹). *دجال شناسی تطبیقی در الهیات اسلامی و مسیحی*، مجله الهیات تطبیقی، شماره ۳.
۳. توفیقی، حسین (بهمن و اسفند ۱۳۷۸). *هزاره‌گرایی در فلسفه تاریخ مسیحیت*، مجله موعود، شماره ۱۸.
۴. ابن حماد مروزی، ابو عبدالله نعیم (۱۴۱۲ق). *الفتن*، قاهره، مکتبه التوحید.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، مترجم: هاشم رسولی محلاتی، تبریز بنی هاشمی.
۶. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق). *الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب*، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۷. بخاری، محمد بن إسماعیل (۱۴۲۲ق). *الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله ﷺ و سننه و آیامه*، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طوق النجاة.
۸. توفیقی، حسین (۱۳۸۹). *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت.
۹. جمعی از نویسندگان (۱۴۲۸ق). *معجم الأحادیث الإمام المهدی ﷺ*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۱۰. حاکم النیسابوری، محمد بن عبد الله (۱۴۱۱ق). *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۱. سلیمان، خدامراد (۱۳۸۵). *پرسمان مهدویت*، قم، شباب الجنه.
۱۲. الشیبانی، أحمد بن حنبل (بی تا). *المسند*، القاهرة، مؤسسة قرطبة.
۱۳. صدر، سید محمد (۱۳۸۴). *تاریخ پس از ظهور*. مترجم: حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر ﷺ.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه.
۱۵. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم (۱۴۰۴ق). *المعجم الکبیر*، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، الموصل، مکتبه العلوم والحکم.
۱۶. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۸). *تا ظهور*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ﷺ.
۱۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۰ق). *الغیبه*، قم، دارالمعارف الإسلامیه.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیه.



۱۹. کاظمی، مصطفی بن ابراهیم (بی تا). *بشارة الإسلام فی علامات المهدي*، محقق: حسن نزار، بیروت، بلاغ.
۲۰. کورانی، علی (بی تا). *عصر ظهور*، قم، دار الهدی.
۲۱. کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۸). *هزاره گرایي در سنت مسیحی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۴. _____ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۲۵. محمدی، محمد حسین (۱۳۹۰). *آخر الزمان در ادیان ابراهیمی*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *حکومت جهانی مهدی ﷺ*، قم، نسل جوان.
۲۷. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۷). *موعود ادیان*، تهران، خرد آوا.
۲۸. موحیدیان عطار، علی و دیگران (۱۳۸۹). *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۳۰. نیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین (بی تا). *صحیح مسلم*، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۱. ورمزیار، مصطفی (پاییز ۱۳۹۲). *بررسی روایات مدت حکومت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام*، مجله پژوهشهای مهدوی، ش ۶.
۳۲. هیشمی، نور الدین علی بن ابی بکر (۱۴۱۲ق). *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، بیروت، دار الفکر.
33. Goodman Phillip, *The Assyrian Connection* (Tulsa, Oklahoma: Prophecy Watch Books, 1993-revised edition in 2003).
34. Richardson Joel, 2012, *Mideast Beast: The Scriptural Case for an Islamic Antichrist*, WND Books, Washington DC 1st edition.
35. Richardson Joel 2009. *The Islamic Antichrist: The Shocking Truth about the Real Nature of the Beast*, WND Books, Washington DC 1st edition.
36. Smith Jack, *Islam: The Cloak of Antichrist*, Winepress Publishing (October 26, 2011)
37. Macey ,Samuel L. (March 1, 1994) *Encyclopedia of Time*, Routledge; 1 edition.

مقالات اینترنتی:

38. Reagan David R, "The Antichrist Will he be a Muslim?",
www.lamblion.com/articles/articles_islam4.php, 2013/06.
39. Reagan, David R, "The Muslim Antichrist Theory: Joel Richardson",
www.lamblion.com/articles/articles_islam6.php, Viewed in 2014/03.
40. Smith Jack, "Abdullah's Death and the Fall of Yemen to Houthis – Will Iran see the will of Allah?", January 23, 2015,
<http://www.jacksmithprophecy.org/2015/01/23/abdullahs-death-and-the-fall-of-yemen-to-houthis-will-iran-see-the-will-of-allah>.
41. Smith Jack, "Iran – The trigger for the beginning of Tribulation", June 25, 2013, <http://www.jacksmithprophecy.org/2013/06/25/iran-the-trigger-for-the-beginning-of-tribulation>.

سایتها:

42. www.nowtheendbegins.com/7-ways-that-adolf-hitler-was-a-perfect-type-of-the-biblical-antichrist.
43. www.bible-codes.org/letters-Saddam-antichrist-type-figure-only.htm
44. www.pacinst.com/antichri.htm.
45. www.foursignposts.com/2015/03/02/add-shooting-down-israeli-planes-to-president-support-for-signposts.
46. www.jacksmithprophecy.org/2012/07/02/egypts-morsi-the-muslim-brotherhood-and-bible-prophecy.
47. www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2008/05/07/AR2008050703587-pf.html.
48. www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&mid=246653&typeinfo=25&catid=23309.



دراسة ونقد رؤية «المسيح الرجال الاسلامي» و «الاسلام عقلاء للمسيح الرجال» في تطبيق المسيح الرجال» في تطبيق المسيح الرجال علي المنقذ و المصلح الاسلامي

روح الله الشاكري الزواردهي^١

زهير دهقاني الآراني^٢

لقد سعى بعض الكتاب والمبلغين المسيحيين في ترويج بعض الأقاويل التي لا ترتقي الى الحقيقة بشيء ولم يجدوا بداً سوى محاربة الإسلام وذلك بخلق تهمة واهية وأباطيل في باب شيطانية هذا الدين وإنطباعه مع محورية الشر الوارد في الكتاب المقدس وجاء كل ذلك مع تصاعد وتنامي الموجة الجديدة للإسلام والخوف من مبادئه وقيمه السمحاء في الغرب . وقد قام هؤلاء بتقديم وطرح نظريات مختلفة حتى إنهم وصلوا الى مراحل متقدمة فتحدثوا في هذا الجانب عن تطبيق المنقذ والمصلح الإسلامي (الإمام المهدي عليه السلام) ووجوده المبارك ضد المسيح المذكور في الكتاب المقدس (أتي كرايست) . وفي هذا الباب جاءوا بنظرية « ضد المسيح الإسلامي » وذلك بالإستناد الى المصادر الإسلامية والمسيحية في إثبات أحادية الخصائص السلوكية والشخصية للمنقذ الإسلامي من خلال خصوصية ضد المسيح الواردة في عبارات الكتاب المقدس . وتبعاً لذلك فلم يجدوا مناصاً إلا في طرح فكرة ورؤية مفادها إن « الإسلام هو رداء ضد المسيحية » هذا الموضوع الهام والحساس ومن ثم تالها التعريف بإن الإمام المهدي عليه السلام في الروايات الشيعية هو مصداق ضد المسيحية . وبما إن هذه النظرية أخذت تنتشر إنتشاراً واسعاً في العالم الغربي وخلقت أرضية ومناخاً ملائماً لتسميم الأفكار العامة وساهمت في ممارسات خاطئة وبناء عقلية سلبية خاصة بعد مساعدة الإعلام القوي والفعال له ؛ لذا فإن من الضروري القيام بدراسات ونقد تلك الرؤى والنظريات وفي هذا الخصوص ومن هنا سعت الدراسة هذه أولاً الى وصف المقدمات والتصورات والنتائج التي يتضمنها هذين الرأيين وتوضيحها ومن ثم دراسة ونقد شواهدهما فكانت المحصلة والنتيجة هي إن الكثير من النتائج والإستنباطات لأصحاب النظرية التي أخذوها من الكتاب المقدس وكذلك من التعاليم الإسلامية هي نظرية غير صحيحة وتحمل مغالطات متعددة ويحمل التطبيق النهائي لها إشكالات عديدة ويخدر في أصلها .

المصطلحات المحورية: الإمام المهدي عليه السلام ، ضد المسيحية ، نظريات ضد المسيح الإسلامي ، الدراسة التطبيقية .

الزواردهي

سال شانزدهم / شماره ٥٢ / بهار ١٣٩٥

١٤٠

١. أستاذ مساعد في قسم معرفة الشيعة في جامعة طهران - برديس فارابي .

٢. خريج مركز المهديوية التخصصي وطالب في مرحلة الدكتوراه في الالسن النظرية للإسلام ، (الكاتب المسؤول) .